

بررسی زبان‌شناختی تأثیر زبان انگلیسی بر واژه‌سازی زبان عربی*

وجیه حمّد عبدالرحمان

ترجمه عباس امام

چکیده

می‌دانیم که زبان‌ها، در تماس با یک‌دیگر، هر یک، به طریقی، دیگری را تحت تأثیر قرار می‌دهد. مقصود این مقاله تحقیق در چند و چون تأثیر زبان انگلیسی بر واژه‌سازی در زبان عربی است. در همین جهت تلاش شده است تا برخی جنبه‌های اشتقاق واژه‌ها در زبان‌های انگلیسی و عربی بررسی شوند. زبان انگلیسی در زمینه‌های زیادی (بالاخص واژه‌سازی) تأثیر شگرفی بر زبان عربی داشته و در آینده نیز (تا زمانی که فرهنگ معاصر عربی به صورت غیرمولد امروزی است) این تأثیرگذاری ادامه خواهد یافت. ترکیب وندهای اشتقاقی با ستاک‌ها در زبان انگلیسی – برخلاف نظر استاگه‌برگ^۱ – امری قراردادی نیست. هم‌چنین، برخی از قطع‌نامه‌های مجامع زبان‌شناسی در جهان عرب، به جای آن که باعث رشد و گسترش فرایند واژه‌سازی شوند، بر سر راه آن مانع ایجاد می‌کنند. فرایند اشتقاق در زبان عربی با آنچه در زبان‌های هند و اروپایی دیده می‌شود فرقی ندارد. برخی برداشت‌های نادرست دربارهٔ زبان عربی ناشی از کاربرد اصطلاحات فنی سنتی است که قرن‌ها پیش وضع شده‌اند و چنانچه

* مشخصات اصل انگلیسی مقاله به این شرح است:

برای بررسی زبان عربی و ساختار آن از اصطلاحات فنی زبان‌شناسی نوین استفاده کنیم به دریافت و فهم بهتری دست خواهیم یافت. در زمینه تحلیل تک‌واژی زبان عربی نیز غفلت از واژه‌های کوتاه در کتابت این زبان باعث گم‌راهی پژوهش‌گران می‌شود.

ادوارد ساپیر^۲، زبان‌شناس نام‌دار امریکایی، بر این باور بود که زبان‌ها، هم‌چون فرهنگ‌ها، به ندرت قائم به نفس‌اند. ضرورت ارتباط متقابل بین انسان‌ها باعث می‌شود تا گویش‌وران یک زبان (چه مستقیم و چه غیرمستقیم) با گویش‌وران زبان‌های اقوام مجاور خود و یا با زبان‌های اقوام دارای فرهنگ مسلط رابطه برقرار سازند. زبان می‌تواند هم باعث گردش چرخ بی‌روح روابط بازرگانی و تجاری گردد و هم متضمن وام‌گیری یا مبادله کالاهای معنوی (نظیر هنر، علم و دین) باشد. مشکل بتوان زبان یا گویشی کاملاً منزوی - حتی در بین اقوام بدوی - سراغ گرفت. تماس و رابطه بین اقوام هم‌جوار، به هر درجه و میزان، کافی است تا بین آنها مناسبات متقابل زبانی برقرار گردد و می‌دانیم که این گونه تأثیر عموماً یک‌سویه است، یعنی احتمال تأثیرگذاری زبان قومی که مرکز ثقل تمدن است بر زبان‌های حول و حوش خود طبعاً بیش‌تر است تا احتمال تأثیرپذیری از آنها. تأثیر زبانی در مراتب معنایی، نحوی، صرفی، و واجی مشاهده می‌شود. به اعتقاد ساپیر^۳، ساده‌ترین نوع تأثیرگذاری زبانی بر زبان دیگر از طریق وام‌گیری وازگانی^۴ است. می‌دانیم، که هرگاه وام‌گیری فرهنگی وجود داشته باشد، ناگزیر، احتمال وام‌گیری واژه‌های مرتبط با آن فرهنگ نیز وجود خواهد داشت. وقتی اعراب، نخستین بار، از طریق تماس‌های بازرگانی یا ارتباطات دوران جنگ، با فرهنگ غربی و پاره‌ای مظاهر آن، نظیر خیابان‌های سنگ‌فرش یا آسفالت شده آشنا شدند، طبیعی بود که اسامی این کالاها و فرآورده‌ها را نیز اقتباس کنند. اما نگارنده این مقاله میل دارد دیدگاه دیگری را بیان کند؛ چون، هر چند واژه‌های انگلیسی و فرانسه بسیاری (بالاخص واژه‌های مربوط به حوزه علوم و صنایع) وارد واژگان زبان عربی شده‌اند، در مجموع، زبان عربی در قبال ورود واژه‌های بیگانه نسبتاً مقاومت نشان داده است. بنا به گفته بیستن^۵، هیچ دوره دیگری در گذشته تاریخ شاهد این چنین تغییر بینادینی در گنجینه لغات نبوده است، یعنی شاهد

2) E. Sapir. *Language* (Harcourt, Brace and World Inc., 1970). p. 192.

borrowing of words (۴)

(۳) همان‌جا.

5) BEESTON, *The Arabic Language Today* (London: Hutchinson University Library, 1970). p. 114.

تحوّلی که با هجوم سیل گستردهٔ واژه‌های تُرمانی-فرانسوی در قرن سیزدهم یا با رنسانس و واژه‌های لاتین‌گرای آن پدید آمد. در سراسر تاریخ، گرایش مسلط همواره این بوده که یا به واژه‌های موجود در زبان‌ها معانی جدیدی داده شود یا از منابع موجود زبان واژه‌هایی نو ساخته شود. در زبان عربی، این نیاز قرن بیستم به انبوه گستردهٔ واژگان جدید فتی (که زبان انگلیسی، برای رفع آن نیاز، دست به دامانِ نو واژه‌های عمدتاً یونانی و لاتینی شده است) تا حدود زیادی با سیاستی مشابه سیاست آلمانی‌ها مرتفع گردیده و است - سیاستی که، بر اساس آن، برابر واژهٔ انگلیسی oxygen کلمهٔ *Sauerstoff* برابر Diabetes (دیابت یا مرض قند) معادل آلمانی *Zuckerkrankheit* انتخاب گردیده‌اند. گستره و حدود وام‌گیری واژگانی در زبان‌ها هم به عوامل زبانی بستگی دارد و هم به عوامل فرازبانی. در مورد زبان عربی نیز، به نظر می‌رسد که این هر دو عامل دخیل بوده‌اند، بالاخص به این دلیل که عربی زبان قرآن مجید است و گویش‌وران این زبان عموماً بر این باورند که زبان قرآن کلام وحی و قدسی است و تا حد ممکن باید دست نخورده باقی بماند. نگارنده از این عوامل به تفصیل در جای دیگری بحث کرده است.⁶ از مطالعهٔ دقیق این گونه وام‌واژه‌ها تفسیرجالبی دربارهٔ تاریخ و فرهنگ فراهم می‌آید. حال، تقریباً، می‌توان نقشی را که افراد گوناگون در ابداع و گسترش افکار فرهنگی ایفا کرده‌اند ارزیابی کرد - نقشی که مدیون واژگان نوساختهٔ آنها و نفوذ و رسوخ آن واژه‌ها در ذهن و دل مردم است. فرهنگستان‌ها و برخی محافل عربی در کشورهای مصر، عراق، اردن، عربستان سعودی و سوریه، برای واژه‌سازی بر اساس منابع موجود خود زبان عربی، تلاش بسیار کرده‌اند؛ اما، نکتهٔ این‌جاست که قطع‌نامه‌ها و توصیه‌های این مجامع همیشه با اقبال عموم روبه‌رو نشده است. من باب مثال، واژهٔ رسمی و عربی، هاتف نتوانسته است واژهٔ انگلیسی معادلِ خود، رواج *telephone* را، که بین مردم کمابیش دارد، از گردونهٔ کاربرد خارج سازد، هم‌چنان که ظاهراً در زبان آلمانی نیز واژهٔ نشده آلمانی رسمی به *Fern-sprecher* موفق به حذف واژهٔ *telephone* است. علاوه بر این، نظر می‌رسد که این قطع‌نامه‌ها در مورد برخی جنبه‌های واژه‌سازی اشتقاقی تا حدود زیادی تحت تأثیر دو مکتب سنتی زبان‌شناسی عربی (مکتب بصره و مکتب کوفه)

6) W. Abderrahman, *The Role of Derivation in the Process of Neologisation in Modern Literary Arabic*, Doctoral Dissertation, London University, 1981. pp. 20-30.

باشند. اجازه دهید با ذکر مثالی مسئله را روشن کنیم: فرهنگستان زبان عربی در مصر قطع‌نامه‌ای به تصویب رسانده که، بر اساس آن، اشتقاق از اسم‌ها را (به جز در مورد واژگان علمی، آن هم به وقت ضرورت) ممنوع اعلام کرده است. به نظر نگارنده این سطور، چنین مصوبه‌ای، به جای توسعه دامنۀ فرایند واژه‌سازی، باعث محدودیت آن می‌شود. محافل زبان‌شناسی تقریباً متفق‌القول‌اند که زبان‌ها معمولاً از دو نوع اشتقاق بهره می‌جویند: الف) اشتقاق با حفظ مقولۀ دستوری^۷، مثل زمانی که از فعل فعل دیگری می‌سازیم؛ ب) اشتقاق با تغییر مقولۀ دستوری^۸، مثل زمانی که از اسم فعل، از اسم صفت (و بالعکس) یا از صفت، قید و از فعل اسم ساخته می‌شود. واقعیت این است که حوزه واژگانی زبان عربی به شهادت مثال‌های زیر، سرشار از این‌گونه اشتقاق است:

اسم	فعل
جامد	مشق
رأس (سر)	رأس (در رأس... قرار گرفت. رئیس شد)
جَبْهَة (پیشانی)	جَابَة (رویاری شد)
بَحْر (دریا)	أَبْحَرَ (دریانوردی کرد)
كَهْف (غار)	تَكَهَّفَ (غارنشین شد)
يَوْم (روز)	يَاوَمَ (دست‌مزد روزانه را پرداخت)
جَبَل (کوه)	أَجْبَلَّ (عازم کوه شد)
بَطْن (شکم)	بَاطَنَ (به شکم کسی زد)

در مورد تأثیر فرهنگی و زبانی انگلیسی بر فرهنگ‌های دیگر، سایپر^۹ قایل به این است که شاید برای انگلیسی‌ها اندکی یأس آور باشد که دریابند تأثیر عمومی فرهنگ انگلیسی تاکنون ناچیز بوده است. البته، زبان انگلیسی در حال گسترش است؛ چون انگلیسی‌ها سرزمین‌های وسیعی را به استعمار خود در آورده‌اند. ولی شواهدی در دست نیست تا نشان دهد این زبان در جایی آن‌چنان در بطن واژگان زبانی وارد شده باشد که با نفوذ زبان فرانسه در تار و پود زبان انگلیسی یا نفوذ زبان عربی در همه زوایای دو زبان فارسی و ترکی قابل قیاس باشد. با این همه، به نظر نگارنده، چنین گفته‌ای، هر چند در اوایل دهۀ پنجاه قرن بیستم درست بوده باشد، ظاهراً در دورۀ پس از آن تاریخ، حداقل در مورد زبان عربی، صحت ندارد؛ یعنی، می‌توان گفت که تأثیر فراوان انگلیسی

بر عربی، به هیچ وجه، حاشیه‌ای و فرعی نیست. من باب مثال، صدها واژه انگلیسی، نظیر *captain, studio, radio, cable, facsimile, telex, television, video, camera, film, gearbox, sandwich*، وارد واژگان زبان عربی شده‌اند و، به صورتی گسترده، در محاورات روزمره به کار می‌روند. تأثیر شگرف زبان انگلیسی بر عربی تنها محدود به حوزه وام‌گیری واژگانی مستقیم نیست بلکه محدوده صرف اشتقاقی (یا واژه‌سازی) را نیز در بر می‌گیرد. در این مورد، چه بسا تأثیر شگرف انگلیسی بر عربی از این رو باشد که فرهنگ معاصر عرب هویتی است عاریتی که می‌کوشد تا خود را به اروپایی‌ها و غربی‌ها شبیه سازد. بی‌تردید این واقعیت تأثیر زیادی بر زبان عربی داشته است. در خلال پنجاه و اندی سال اخیر، اعراب (اگر چه در آغاز با کمی محافظه‌کاری)، در مجموع جهان‌پیرامون خود و آمال فرهنگی خویش را از دریچه مفاهیم و حوزه‌های فکری مشخصی دیده‌اند که آن مفاهیم و حوزه‌ها دستاورد فکری خود ایشان نبوده است. به گفته استتکوویچ^{۱۰} (که اظهار نظر درستی نیز هست)، تأثیر فرهنگ و زبان عربی در این دوره نه تنها در واژگان بلکه در سبک و ضرب‌آهنگ جدید تفکر اعراب نیز احساس می‌شد و از این ره‌گذر احساس زبانی کاملاً جدیدی تبلور یافت. در نتیجه، مجموعه این افکار و اندیشه‌های وارداتی ایجاد شاکله فکری زبان محوری را ایجاد می‌کرد که خاستگاه آن ریشه در فرهنگ تأثیرگذار داشت. لذا، مفهوم عام «زبان‌های غربی» (به عنوان عامل تأثیرگذار بر زبان عربی) واقعیتی زبانی - فرهنگی است نه تعمیمی مبهم و نامنضبط.

زبان عربی، از طریق واژگان جدید خود - که اکنون از مرز ۴۰۰۰۰ فراتر می‌رود - و از طریق زمینه زبانی - فرهنگی که محصول آن واژگان است (و، سرانجام، از راه غنای فراوان و تنوع الگوهای اصطلاحی وارداتی از زبان‌های غربی و نیز عبارت‌پردازی‌های برگرفته از متون ادبی غربی)، اکنون این توانایی را در خود یافته است که مرزهای محدود زبانی خود را پشت سرگذارد و در حوزه فراخ قرابت فرهنگی و زبانی با خانواده زبان‌های معاصر غرب - که حکم سرمشق آن را پیدا کرده‌اند - گام نهد.

به گفته استتکوویچ، در حال حاضر چارچوب نحوی زبان عربی با پویایی‌های فکری

10) J. Sreterkych, *The Modern Arabic Litrary Language* (Chicago and London: University of Chicago Press. 1970), p. 117.

جدید و عمدتاً غیر سامی معاصر سازگار است. هم‌چنین، به گفته وی، ذهنیت عربی معاصر بیش از پیش به صورت شاخه‌ای از ذهنیت غربی معاصر درآمده، به طوری که مقدار کم‌تر و کم‌تری از عادات فکری سامی و الگوهای زبانی سنتی و ویژگی‌های ساختاری این زبان را حفظ کرده است. اجازه دهید تجربه‌ای شخصی را بازگو کنم. زمانی که در بخش عربی رادیو بی‌بی‌سی کار می‌کردم و شدیداً درگیر ترجمه و ارائه برنامه‌های متعدّد جدید بودم، متوجّه شدم که بیش‌تر مترجمان آن بخش غالباً به ترجمه تحت‌اللفظی متون متوسل می‌شوند و از این‌رو، در مطالب ترجمه شده، عمدتاً نظم و ترتیب واژه‌آرایی نحو زبان انگلیسی بازتاب می‌یابد. الگوی مسلط در واژه‌آرایی و نحو زبان عربی معمولاً فعل + فاعل + مفعول است، اما در بی‌بی‌سی، به تدریج، این الگو، به تأثیر زبان انگلیسی، جای خود را به فرمول فاعل + فعل + مفعول می‌داد. البته، این به آن معنی نیست که فرمول فاعل + فعل + مفعول، تاکنون در عربی کاربرد نداشته است؛ چون زبان عربی، برخلاف زبان انگلیسی، دارای الگوی واژه‌آرایی آزاد است.

حال، پیش از آن‌که به بحث در تأثیر زبان انگلیسی بر واژه‌سازی عربی بپردازم، یکی دو نکته را درباره‌ی پاره‌ای از جنبه‌های اشتقاق در زبان‌های انگلیسی و عربی باید گوش‌زد کنم. از میان ویژگی‌های بارز پسوندهای اشتقاقی، سه خصوصیت بیش از دیگر خصوصیات مورد توجه ما هستند^{۱۱}: علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۱. این که هر واژه‌ای با کدام پسوندهای اشتقاقی ترکیب‌پذیر است قانون‌مند نیست. من باب مثال، برای اینکه از فعل *adorn* اسم بسازیم، فقط پسوند *-ment* را می‌توانیم به آن بیفزاییم - هیچ پسوند دیگری به کار نمی‌آید - در صورتی که فعل *fail* فقط با پسوند *-ure* می‌تواند اسم *failure* بسازد.

هر چند، ممکن است این ادعا درباره‌ی ساخت اسم فعل‌های معینی در انگلیسی صدق کند؛ اما، با استقصای تمام، آشکار می‌گردد که این قاعده همواره صادق نیست. نگارنده به این نتیجه رسیده است که حداقل در سه حالت نوع پسوندهای اشتقاقی را که برای ساختن این گونه مشتق‌ها به کار می‌روند می‌توان به شرح زیر پیش‌گویی کرد:

الف) افعالی که به *ate* ختم می‌شوند یا *ion* ترکیب‌پذیرند، مثلاً:

educate	education
calculate	calculation
speculate	speculation

ب) افعالی که به *d* یا *de* ختم می‌شوند، نیز ظاهراً با *ion* ترکیب می‌شوند و *d* به *s* تبدیل می‌شود، مثلاً:

explode	explosion
expand	expansion
divide	division
erode	erosion

ج) افعالی که به *ify* یا *ify* ختم می‌شوند ظاهراً با پسوند *cation* ترکیب می‌شوند، مثلاً:

classify	classification
exemplify	exemplification
liquefy	liquefaction
clarify	clarification

تا آنجا که به واژه‌سازی در زبان عربی مربوط است، عموماً این احساس وجود دارد که هم مستشرقان و هم زبان‌شناسان معاصر عرب هنوز واژه‌سازی (صرف) زبان عربی را بیش‌تر معماً تلقی می‌کنند. گویی دستگاه اصطلاحاتی و یافته‌های زبان‌شناسی معاصر در مورد ساختار صرفی زبان عربی مصداق ندارد و حتی برخی زبان‌شناسان اصرار دارند تا برای توصیف ساختار زبان عربی از اصطلاحات سنتی که قرن‌ها پیش از این ساخته و پرورده شده‌اند استفاده کنند. نتیجه این که واژه‌سازی اشتقاقی عربی با واژه‌سازی زبان‌های هندو اروپایی کاملاً متفاوت شمرده می‌شود. مثلاً بیسن^{۱۲} در اظهارنظر راجع به اشتقاق اسم‌های مشتق از فعل، اسم فاعل و اسم مفعول و اسم مکان، چنین می‌گوید که در این گونه مشتق‌ها نوع اشتقاق با آنچه در زبان‌های هندواروپایی (به خصوص زبان‌های لاتینی و یونانی که منبع بیش‌تر واژگان فنی بسیاری از زبان‌های اروپایی هستند) دیده می‌شود، تفاوت اساسی دارد. اولاً از این جهت که فنی بودن بسیاری از اصطلاحات فنی زبان انگلیسی در همان نظر اول بازشناختنی است. مثلاً، واضح است که *television* واژه‌ای است فنی و معنایی اخص از «دیدن از دور» دارد؛ ثانیاً، از این‌رو که زبان انگلیسی عضوی است از مجموعه زبان‌هایی که دارای واژگان فنی

12) M. BATESON, *Arabic Language Handbook* (Washington, Center for Applied Linguistics, 1967), p.88.

مشترکی هستند؛ ثالثاً، به این دلیل که (در مفهوم بسیار کلی) نظام اشتقاقی زبان عربی برای گویش‌وران این زبان این امکان را فراهم می‌کند تا فقط یک ریشه مشخص و یک عنصر مأخذ مستقیم را با مشخصات صرفی گوناگون تذکیر و تأنیث، افراد و جمع، تعلق کلمه به مکان، حرفه، آلت، فرایندی از فرایندها تلفیق کنند. بی‌شک پس از آن می‌گوید که زبان عربی در اختیار معادل *television* مجبور است یا *vision* را ریشه قرار دهد یا *tele-* را؛ اما، به نظر من، تفاوت اساسی اشتقاق در زبان عربی و در دیگر زبان‌های هند و اروپایی ناشی از این است که متأسفانه در محافل زبان‌شناسی معاصر برای توصیف واژه‌سازی زبان عربی، به جای استفاده از اصطلاحات زبان‌شناسی نوین مانند *base* (ستاک، ماده اصلی)، *affix* (وند)، هنوز هم کماکان از اصطلاحات زبان‌شناسی سنتی نظیر صیغه، اوزان، ابواب و اصطلاحات تک‌واژی - معنایی استفاده می‌شود. گرچه، شاید علت این امر تا حدی هم به این دلیل باشد که برخی مشتق‌های ساخته شده (مثل اسم مکان، اسم زمان، اسم آلت، مصدر مرّه، اسم حالت و اسم حرفه) در زبان‌های هند و اروپایی وجود ندارند. افزون بر این، خط عربی، که فقط مصوت‌های بلند در آن نمایش داده می‌شوند، ظاهراً بر تجزیه و تحلیل واژه‌سازی این زبان تأثیر اساسی دارد. برای نشان دادن این معنی که اشتقاق دو گونه زبانی سامی و هندواروپایی چندان تفاوتی ندارند، توجه شما را به مثال‌های زیر جلب می‌کنیم:

انگلیسی	عربی
<i>enrich</i>	مکتب (دفتر کار)
<i>endanger</i>	مضنّع (کارخانه)
<i>beautiful</i>	مُلقب (زمین بازی)
<i>soften</i>	مضوؤاً (نورسنج)

نگاهی به ساختار تصریفی این مثال‌ها نشان می‌دهد که هر کدام از آنها بر اساس الگوی ستاک + وند ساخته شده است. پیشوند *ma-* در سه مثال اول زبان عربی بر اسم مکان دلالت دارد و پیشوند *mi-* بیانگر اسم آلت است. به هم‌چنین، در زبان انگلیسی واژه‌های *enrich* و *endanger* را می‌توان به ستاک و پیشوند تجزیه کرد، در حالی که واژه‌های *beautiful* و *soften* شامل پسوندهای *-ful* و *-en* هستند. واژه *television*، به خلاف قول بی‌شک، مرکب است نه مشتق. در وضع معادل عربی چنین ترکیباتی، استفاده از مشتق ارجح شمرده می‌شود که در آن معنی هر دو جزء ترکیب، چنان که در شواهد

زیر دیده می‌شود، گنجانده شده است:

مشتق عربی	ترکیب انگلیسی
مَطَار (فرودگاه)	airport
مِضُونُ (نورسنج)	photometer
مَرْفَأُ (بندرگاه)	seaport
مِرْفَاةُ (تلویزیون)	television
سَبْوَرَة (تخته سیاه)	blackboard
عِصَامِي (خودساخته)	self-made
جَائِي (مأمور مالیاتی)	taxman

تأثیر شگرف زبان انگلیسی بر زبان عربی را می‌توان در حوزه‌های گوناگون واژه‌سازی این زبان احساس کرد و عمده‌ترین آنها به این شرح است:

۱. اقتباس الگوهای واژه‌سازی دورگه مثل Hadco، Reefco، Azeezco، که در آنها پسوند انگلیسی *-co* به ستاک عربی اضافه شده است. بلومفیلد^{۱۳} خاطر نشان می‌سازد که هرگاه نندی در واژه‌های دخیل بسیاری به کار رود، با عناصر بومی توسعه می‌تواند ترکیب‌ساز باشد. مثلاً دو پسوند فراتسه و اصالتاً لاتینی *-ible* و *-able* که در واژه‌های انگلیسی *agreeable* و *excusable* وجود دارند در ساخت‌هایی چون *bearable*، *eatable*، *drinkable* (که، در هرسه، ریشه فعل منشأ بومی انگلیسی دارد) تعمیم یافته‌اند. مثال‌های دیگری از زبان انگلیسی که در آن عناصر انگلیسی با ستاک‌های بومی عربی ترکیب شده‌اند عبارت‌اند از فکروئوجی (*ideology*)، اسطوئوجی (*mythology*)، کائوئوجی (*ontology*)، هم‌چنین، در علم شیمی، عناصر انگلیسی بسیاری در ترکیب واژه‌های عربی دیده می‌شوند؛ به این صورت که ستاک معادل عربی پیدا می‌کند و یک عنصر خارجی (انگلیسی) به این معادل بومی می‌پیوندد، چنان که در شواهد زیر:

خَلُون	acetone
خَلْبِيل	acetyl
فَحْمِيل	carbonyl
نَثْلِيل	formyl
سُكْرِيد	glucoside
سُكْرِيَات	glucides
هَضْمِيد	peptide

۲. افزودن پیشوند نفی *lā-* (لا) به اسم‌ها و صفات، مثل لا متناهی (*infinite*)، لا طبقی (*classless*)، لا اخلاقی (*immoral*)، لا یلئکی (*wireless*)، الازمان (*timelessness*) و الالعوبه

(the anti-Arabism). به قول استکویچ^{۱۴}، نکته جالب توجه و نکته آموز این که ظاهراً، از این نوآوری در استفاده از پیشوند، ابتدا لبنانی‌ها و سوری‌ها، بالاخص شعرای مهاجر به امریکا استقبال کرده‌اند. از سوی دیگر، در مصر این نوآوری‌ها به غایت نادر بوده و، تنها در سه دهه اخیر، نویسندگان مصری آن را در زبان ادبی رایج وارد کرده‌اند. نسل معاصر شاعران عراقی نیز تا حدودی به استفاده از پیشوند لا تمایل نشان داده‌اند.

۳. فعال ساختن استفاده از پسوند *-āt* (ات)، که بیانگر نام رشته علمی است، به جای الگوی ساختی حرف تعریف + اسم که همواره در محافل زبانی عرب متداول بوده است. شواهد آن عبارت‌اند از صوتیات (phonetics)، اقتصادیات (economics)، الکترونیات (electronics)، لغویات (linguistics) و حتی اسلامیات. پیش از قرن بیستم، اصطلاحاتی مانند النحو (syntax)، الصرف (morphology)، الهندسه (geometry)، الطب (medicine)، التاريخ (history) و نظایر آنها، به الگوی رایج ال + اسم به کار می‌رفته‌اند. بی‌میل نیستیم ادعا کنیم که نشان دادن الگوی ساختی مختموم به *-āt* به جای الگوی پیشین را شاید بتوان ناشی از آن دانست که *-s* در پسوند *-ics* به اشتباه نشانه جمع پنداشته‌اند و از این رو پسوند *-āt* (ات) عربی را در ازاء آن افزوده‌اند.

۴. کاربرد گسترده قیده‌های دال بر «نظرگاه» با افزودن پسوند *-an* (-أ) به صفات مختموم به *-iy* (ی)؛ مانند اسلامیاً (islamically)، دولتياً (internationally)، سیاستاً (politically)، عسکرتاً (militarily)، دینتاً (religiously) و اخلاقاً (morally). کووان^{۱۵} می‌گوید که زبان عربی از نظر قید بی‌اندازه فقیر است. مع الوصف بررسی دقیق نشان می‌دهد که زبان عربی، در پرتو تأثیر زبان انگلیسی، در این حوزه از اشتقاق غنا می‌یابد، چون در مواردی که از انگلیسی به این زبان ترجمه می‌شود قیده‌های بسیاری وجود دارد.

۵. هر چند شماری از ترکیب‌های مرتم (blends)، به خصوص آنها که به اصطلاحات دینی – مانند بَسْمَلَة (بسم الله گفتن)، حَمْد لَه (الحمد لله گفتن) و مَسْأَلَة (ماشاء الله گفتن) – تعلق دارند، وارد قوامیس عربی قدیم شده است، باروری این فرایند، به ویژه در عرصه وازگان علمی، روزافزون می‌گردد. از بررسی دقیق هر یک از فرهنگ‌های جدید آشکار می‌گردد که در دو دهه اخیر صدها نوواژه از این دست ساخته شده است و این امر را تنها در پرتو توجه به تأثیر زبان انگلیسی در واژه‌سازی زبان عربی می‌توان توضیح داد. ذیلاً، چند شاهد مثال یاد می‌شود:

intermolecular	تَبَجْرُئِي
interfacial	تَبَسْطَحِي
interglacial	تَبَجْلِيدِي
biochemical	كِيمِيحِيَوِي

14) STETKEVICH, *The Modern Arabic Literary Language*, p. 54.

15) D. COWAN, *Modern Literary Arabic* (Chicago, Chicago University Press, 1978), p. 63.

<i>electrochemical</i>	کیمی‌کهریمی
<i>electromagnetic</i>	کهروطیسی
<i>thermonuclear</i>	نوویحراری
<i>intercultural</i>	تبیغافی

شایان ذکر است که بیش‌تر این نوع ترکیب‌های مرثم، که اخیراً وضع شده‌اند، از نظر ساختاری، با قواعد سنتی واژه‌سازی در زبان عربی (صرف) وفق ندارند؛ چون، در این قواعد، محدودیت‌هایی از نظر حروف اصلی کلمه (حداکثر پنج حرف) وجود دارد. نگارنده، برای آن که پاره‌ای از این ترکیب‌ها با قواعد ساختاری واژه‌سازی عربی، سازگار باشند، ساخت‌های کتوی، کتری، کهریسی، و مخزری را به ترتیب به جای *electromagnetic*, *electrochemical*, *biochemical* و *thermonuclear* پیش‌نهاد می‌کند.

۶. به نظر می‌رسد که تأثیر زبان انگلیسی بر واژه‌سازی زبان عربی برخی از شکل‌های افعال را نیز تحت تأثیر قرار داده است. مثلاً، در نتیجه برخی ترجمه‌های ضعیف، شکل فعل *اِسْتَمْعَلَ* (باب استعمال)، که بر طلب یا نتیجه دلالت دارد، گویا از حوزه کاربرد طرد شده و به جای آن از ترکیب *طَلَبَ + اسم یا أَصْبَحَ + اسم* یا صفت استفاده می‌شود. در نتیجه، مثلاً به جای *اِسْتَوْصَحَ عِبَارَتِ طَلَبَ تَوْصِيحًا* به کار می‌رود.

۷. به گفته عبدالرحمان^{۱۶}، واژه‌های نو در زبان عربی امروز اساساً از راه اشتقاق ساخته می‌شوند. از فرایندهای دیگر، مثل ترکیب (*compounding*) و ترکیب مرثم (*blend*)، نیز گه‌گاه استفاده می‌شود. اما، تا آنجا که نگارنده اطلاع دارد، از نشانه اختصاری (*acronym*)، تا پیش از تماس عربی با زبان‌های اروپایی معاصر، در واژه‌سازی استفاده نمی‌شده است. اما امروزه ما در عربی به نشانه‌هایی اختصاری چون *وَقَا* (به جای *وَكَاةُ الْأَنْبَاءِ الْفِلَسْطِينِيَّةِ* خبرگزاری فلسطین)، *كُنَا* (به جای *Kuwait News Agency* / خبرگزاری کویت) و *ذَمَم* (به جای *Ltd* / ذات مسئولیت محدود) برمی‌خوریم.

۸. هم‌چنان که پیش از این گفته شد، در انگلیسی برای اسم مکان، که در عربی از ریشه ثلاثی مجرد ساخته می‌شود، اشتقاقی وجود ندارد؛ در نتیجه، استفاده از این اشتقاق در عربی کاهش یافته، چون زبان انگلیسی سرمشقی مترجمان بوده است. مثلاً *exit* را، به جای مخرج، به خروج و *place of ablution* را، به جای متوضأ، به مکان وضو و *sitting room* را، به جای مجلس، به غرفه جلوس برگردانده‌اند.

حاصل آن که، نگارنده می‌پندارد که زبان عربی، این وسیله انتقال عمده تمدن امروزی، بدون تردید تا حدود زیادی به زبان انگلیسی، زبان تمدن بارور معاصر، مدیون

است. با توجه به پیش‌رفت‌های گسترده در عرصه حمل و نقل و ارتباطات و مقادیر هنگفت مطالب ترجمه شده از انگلیسی به عربی، به احتمال بسیار زیاد، زبان عربی، تا زمانی که به صورت زبان فرهنگ وام‌گیرنده باقی بماند، در آینده نیز تحت تأثیر الگوهای زبان انگلیسی، آن هم نه تنها در حوزه اشتقاق صرفی، قرار خواهد گرفت. به نظر نگارنده، آنچه باعث تشدید تأثیر زبان انگلیسی بر زبان عربی می‌شود این است که اکثریت قریب به اتفاق مترجمان عرب با قواعد زبان مبدأ بیش‌تر آشنا هستند تا با قواعد زبان مقصد و اگر عکس آن را در مورد واژه‌سازان صادق بدانیم راه خلاف نیموده‌ایم.

□

